

# نگاهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر

دکتر حسینقلی حسینی نژاد

محکمه اروپایی حقوق بشر یکی از ارکان حفظ حقوق بشر است که بر اثر ابتکار شورای اروپا به وجود آمده است در میان کارهای برجسته شورای اروپا هیچ یک به اندازه این محکمه حمایت از حقوق بشر را نشان نمی دهد زیرا شورای اروپا در ایجاد این محکمه و تصویب قواعد دادرسی و حتی اجرای احکام آن همکاری داشته است. میثاق اروپایی حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی مندرج در آن مورخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ امضا شده در رم، پروتکل الحاقی آن به تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۵۲ و پروتکل ۲۲ ژانویه ۱۹۶۰ مجمع عمومی این شورا، تصمیمی استوار برای حفظ این حقوق است.

اگر از دویست سال قبل تاکنون فکری در اروپا چنان رواج یافته است که به صورت عنصری اساسی از حقوق عمومی در آید آن فکر این است که هر فردی بشری بر اثر همان ماهیت بشری خود سرنوشت و مسؤولیت و ارزشی اخلاقی دارد که باید نظامهای سیاسی آزادی این ماهیت را تضمین کنند، در سال ۱۹۴۹ وابستگی به این فکر مخصوصاً شدید می شود معنای این شدت نفرت از نظامهای استبدادی و احساسی مشترک و عمیق است میان همکاری و تعاون اروپا و تعاون جهانی که بر پایه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر ملل متحد مورخ ۱۹ اوت ۱۹۵۸

استوار است و به همین دلیل از همان اوت ۱۹۴۹ مجمع عمومی شورای اروپا تصمیم گرفت که تضمین واقعی پاره‌ای از حقوق فردی به عهده سازمانی گذاشته شود و مطابق این تصمیم نظام ذیل ایجاد شد.

دولتها متعهد می‌شوند که افرادی را که در سرزمین آنها بسر می‌برند از تعدادی حقوق معین برخوردار کنند مطابق این تعهد حق هر فرد به حیات و مجاز نبودن شکنجه، بردگی، اسیری، کار اجباری یا بیگاری تضمین می‌شود، و همین میثاق حق آزادی و امنیت و در مورد توقیف، اعلام فوری شکایت و همچنین حاضر کردن فوری متهم توقیف شده در محضر مقام دستور دهنده توقیف و در مدتی متناسب در مقابل محکمه‌ای مستقل و بیطرف را اعلام می‌دارد، این میثاق متهم را بی‌گناه فرض می‌کند مگر آن که دلیلی تقصیر او را ثابت کند و همچنین قابل برگشت نبودن کیفر و جرم را به گذشته و احترام زندگی خصوصی و خانوادگی و اقامتگاه و مکاتبات افراد را ضروری می‌داند و آزادی فکر و وجدان و مذهب و بیان عقیده و اجتماعات مسالمت‌آمیز و اتحادیه‌های کارگری و حق نکاح و تشکیل خانواده و حق مراجعه به مراجع عمومی در صورت تضییع این حقوق و منع هر نوع تبعیض را اعلام می‌دارد. پروتکل این میثاق حقوقی دیگر را بر این حقوق می‌افزاید. احترام حق مالکیت، حق آموزش با احترام به معتقدات ابویین و حق انتخابات آزاد.

باید یادآور شد حقوق و آزادی‌هایی که میثاق از آنها نام می‌برد مطلق نیستند این حقوق ممکن است با محدودیتهایی نیز روبرو شوند که این محدودیتهای مقتبس از سنت متداول دولتهای اروپایی است مثلاً گاهی ممکن است زندگی خصوصی در معرض دید عمومی قرار گیرد و این هنگامی است که قانون این دخالت را پیش بینی کرده است و بمنزله تدبیری است که اجرای آن در یک جامعه مردم سالار برای حفظ امنیت ملی و آسایش عمومی و رفاه اقتصادی کشور و حفظ نظم و حمایت

بهداشت یا اخلاق یا حمایت از حقوق و آزادیهای دیگران لازم می‌نماید.

از سوی دیگر ماده ۱۵ این میثاق به هریک از دول متعاقد اجازه می‌دهد که هنگام وقوع جنگ یا خطر عمومی دیگر که حیاتها را تهدید می‌کند با اقداماتی محدود تعهدات ناشی از این میثاق را لغا کند و این اقدامات محدود نمی‌تواند با تعهدات دیگر ناشی از حقوق بین‌الملل معارض باشد با این حال اشکالی فراوان وجود دارد که هیچ‌یک قابل‌الغا نیست مانند منع کشتن افراد انسانی جز در مورد مجاز در جنگ، شکنجه کردن، رفتار غیر انسانی یا رفتار خوار کننده، برده‌گرفتن یا برده‌داشتن، عطف قانون کیفری به گذشته (مگر در جایی که فعل یا ترک فعل از همان زمان ارتکاب مطابق اصول کلی شناخته شده از طرف ملل متمدن مجرمانه بوده است) چنانکه زندگی مادی، وقار اخلاقی، استقلال جسمی، عدم بازگشت تدابیر کیفری بر گذشته، در حکم مجموعه‌ای استوار و تبدیل‌ناپذیر آزادیهایی به مفهوم اروپایی آنها هستند اندکی شرافت معنوی را نیز باید بدان افزود هیچکس نمی‌تواند آزادیهای مقرر در این میثاق را برای‌الغا یا محدود کردن این آزادیها به کار برد هیچکس نمی‌تواند محدودیتهای قانونی آزادیها را برای رسیدن به هدفهایی غیر از هدفهای مقرر برای این آزادیها به کار برد.

نخستی نسبت بدین حقوق قابل‌رسیدگی در مقابل نهادهای خاصی است که یکی نهاد آشتی است و دیگری نهاد حکم و به موجب ماده ۳۲ میثاق مجموع این تضمین، که نهاد آشتی و نهاد حکم باشد تحت نظارت شورای اروپا مخصوصاً کمیته وزرا که به موجب ماده ۳۲ میثاق در این موارد حق اتخاذ تصمیم دارد کار می‌کند، از آن گذشته کمیسیون رسیدگی مقدماتی به شکایت افراد می‌تواند به موجب ماده ۲۵ میثاق بر اثر شکایت افراد دولتهای امضاکننده میثاق را احضار کند.

این کمیسیون از ۱۵ عضو تشکیل یافته است و مرجعی قضایی یا حقوقی نیست؛ کار او بیشتر آشتی‌دانی از نوع سیاسی میان مدعی و مدعی علیه است.

کمیسیون می تواند به هر شکایتی رسیدگی کند که شاکی آن را تخلفی از طرف دولت امضا کننده از احکام میثاق رم می داند. دولتهای امضا کننده و افراد خصوصی نیز با رعایت ماده ۲۵ میثاق می توانند بدین کمیسیون رجوع کنند.

باید یادآور شد هنگامی درخواست، قابل تقدیم به کمیسیون است که شاکی تمام مراجع داخلی را طی کرده باشد و بیش از شش ماه هم از حکم قطعی آن مرجع داخلی نگذشته باشد.

کمیسیون که بدین طریق پرونده ای به وی ارجاع شده است سه وظیفه دارد:

۱. اظهار نظر درباره قابل قبول بودن درخواست؛

۲. بررسی ماهوی درخواست، جستجوی راهی برای حل دعوا و پیشنهاد آن

به اصحاب دعوا با الهام از مضامین حقوق بشر؛

۳. در صورت شکست تلاش صلح، کمیسیون باید مقدمات کار بعدی

کمیته وزرا را فراهم کند، و برای این منظور گزارشی مفصل درباره وقایع دعوا و با ذکر نظر خود درباره نقض حقوق ادعای شاکی را به کمیته تقدیم می دارد، این گزارش برای دولتهای ذی نفع و کمیته وزرا فرستاده می شود و انتشار آن هم جایز نیست. کمیته وزرا ضمناً از کمیسیون و طرفی که برای حل اختلاف مناسب می داند آگاه می شود.

۴. ارجاع به محکمه اروپایی: اگر دولت یا دولتهای ذی نفع در دعوا

اعلامیه مقرر در ماده ۴۶ میثاق رم را امضا کردند، که به موجب آن ملتزم به قبول صلاحیت اجباری این محکمه می شود، با تقدیم گزارش به دولتهای ذی نفع مهلتی سه ماه برای کمیسیون ایجاد می شود، که ظرف آن دعوا را به محکمه اروپایی ارجاع کند. در این مرحله کمیسیون مانند دادستانی است که به نفع قانون بین المللی دعوایی را طرح می کند و این کار ابداعی شگفت انگیز است.

شکایات فردی از همان آغاز تأسیس کمیسیون همه وقت کمیسیون را به خود

مشغول داشته است؛ دو دعوای دولتی تا کنون در این کمیسیون طرح شده است یکی دعوای یونان علیه بریتانیای کبیر (در مورد مسائل قبرس) که نتیجه ای مطلوب از آن به دست نیامده است مگر در مورد Lawless که پرونده به هیأت وزرا ارجاع شده و کمیته وزرا هم پرونده را به محکمه فرستاده است و روی هم رفته کمیسیون تاکنون فقط درباره قابل قبول بودن درخواست تصمیم گرفته است.

میثاق همچنین در بند ۴ خود محکمه ای اروپایی تأسیس کرده است این محکمه در ۲۰ آوریل ۱۹۵۹ پس از آن که نه دولت با تأسیس آن موافقت کردند تأسیس یافته است.

این محکمه جهات مشترک فراوان با دیگر محاکم بین المللی دارد، تعداد قضات آن پانزده تن است، مجمع مشورتی از فهرستی است که به هر دولتی اجازه داده است سه قاضی معرفی کند این پانزده قاضی را برای مدت نه سال انتخاب می کنند مطابق ماده ۴۵ میثاق صلاحیت این محکمه محدود است به مسائل مربوط به تفسیر و اجرای میثاق و مراجعه به محکمه مستقیماً مجاز نیست و کمیته وزرا نیز چنین حقی ندارد، فقط کمیسیون و دولتهایی که میثاق رم را امضا کردند می توانند دعوایی را به محکمه ارجاع کنند، آن هم مشروط بر این که در ظرف سه ماه از تاریخ تقدیم گزارش کمیسیون به کمیته وزرا و اگر این مهلت سپری شود فقط کمیته وزرا می تواند از طریق سیاسی راه حلی برای دعوا بیابد.

قبل از بیان اختیارات محکمه باید کمی از میثاق ۵ مه ۱۹۴۹ بحث کنیم، این میثاق در واقع مؤسس شورای اروپاست و تنها به پیوند دادن علایق دولتی و اتحاد و منافع امضا کنندگان و تابع کردن آنان به قواعد جدید و صریح حقوق قراردادی بین المللی اکتفا نمی کند، بلکه می خواهد پاره ای از افکار و اصول مشترک امضا کنندگان را به صورتی بین المللی درآورد و غرض امضا کنندگان این میثاق آن است که برای این افکار و اصول از نظر زمانی نوبتی اجتماعی و واقعی

به وجود آورند، و به اصطلاحی دیگر به جامعه بشری بفهمانند که نوبت افکار و عقاید جنگجویانه و برتری دادن افراد جامعه از نظر جنسیت به یکدیگر گذشته است و اکنون نوبت آزادی و برابری افراد از نظر جنس و سایر عوارض بشری فرارسیده است. این میثاق یک سازمان بین‌المللی اروپایی به وجود آورده است جدا از دولتها ولی زاده فعالیت آنها است و قابل آن که، به نوبه خود در زندگی جامعه اروپا مؤثر افتد.

این میثاق دولتهای عضو را گاهی بر آن می‌دارد تعهدات ناظر به حقوق بشر را رعایت کنند و مانع از آن شوند که دولتها سیاستی مستبدانه و جدا از سیاست مشترک شورا راهی در پیش گیرند و از سوی دیگر این شورا مجموعه‌ای از معیارهای جدید ابداع کرده است که بدون این شورا سخنی از آنها به میان نمی‌آمد. این معیارها درباره افراد نیز بی‌تأثیر نیست و صاحب حقی تازه به وجود می‌آورد؛ آن فردی است که در اروپا بسر می‌برد.

ماده یک میثاق هدفهای این میثاق را چنین تعریف می‌کند:

۱. اجرای اتحادی عمیق تر میان اعضای امضاکننده به منظور نگرهبانی و توسعه مفاهیمی که میراث مشترک آنها است و تسهیل ترقی اقتصادی و اجتماعی آنان؛

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که مفاهیم مشترک چیست؟ مقدمه میثاق می‌گوید غرض از مفاهیم مشترک «ارزشهای معنوی و اخلاقی است».

این مفاهیم چنانکه از محتوای میثاق بر می‌آید شامل سه اصل است: ۱. آزادی فردی، ۲. آزادی سیاسی، ۳. برتری حقوق که این سه با هم یک حکومت دموکراسی (مردم‌سالاری) واقعی را به وجود می‌آورد، در اینجا باید پرسید این اصول وجود خود را مدیون چه ارزشهایی هستند؟ مسلماً این ارزشها آن ارزشهایی جمعی نیستند که از زمان بسیار قدیم بارها جامعه‌ها را به پرستش قدرت و ستمگری

و برده گرفتن دیگران رهبری کرده‌اند ولی این ارزشها مسلماً ارزشهایی هستند که شورا را به شناسایی برتری قانون اخلاقی در سازمان جوامع انسانی راهنما است و لزوم برانگیختن همه افراد به ادراک این قانون و احترام آن و توسعه این ادراک فرصتی است برای بشر به منظور دست یافتن به وضعی اجتماعی شایسته وجود انسانی صاحب تفکر و اندیشه و مسؤول در توزیع فایده این وضع اجتماعی به همه افراد مشترک در ماهیت بشری خلاصه باید گفت این ارزشها که پاره‌ای آنها را بشر محوری و پاره‌ای خدا محوری می‌دانند و بینش مربوط به سقراط و فلسفه بشر دوستی راههای انتقال آنها هستند و امروز اصطلاح «برتری شخصی»<sup>۱</sup> با همه ابهامی که دارد بهترین معرف آن است.

اصطلاح (برتری شخصی یا پرسنالیزم) را فیلسوف فرانسوی رنویه<sup>۲</sup> در سال ۱۹۰۳ برای توصیف فلسفه خود ابداع کرد و آن فلسفه یا فرضیه‌ای است که ارزش اساسی شخصیت بشری را برتر از هر ضرورت و سود اقتصادی و اصول کلی می‌داند. پرسنالیزم فرضیه‌ای اجتماعی است که اصول آن با اصول فلسفه کانت از نظر احترام شخص بشری مشابه است و می‌کوشد به رغم شرایط زندگی جهان جدید این احترام را نگاه دارد.

اساسنامه و میثاق ۴ نوامبر ۱۹۵۰ که اگر پراز وعده‌های گوناگون نباشد، دل بستگی عمیق و تزلزل ناپذیری نسبت بدین ارزشها به دولتهای امضا کننده نسبت می‌دهد، بسیار کریمانه است. بدون این ارزشها عدالت صلح چنانکه مقدمه این میثاق می‌گوید در جهان وجود نخواهد داشت و اساسنامه شورای اروپا نیز می‌گوید که: «استحکام مبانی صلح متکی به عدالت و همکاری بین المللی ارزشی حیاتی برای حفظ جامعه بشری و تمدن دارد» در کنار فلسفه برتری شخص، فلسفه‌ای دیگر به وجود می‌آید که آن جهانی بودن هدف این میثاق است که متکی به وحدت جنس

1. Personalism

2. Renouvier

بشری با منافع درونی این فلسفه است یعنی برابری و برادری افراد بشری اعم از زن و مرد که هیچ فلسفه ای خاص، خواه فلسفه اجتماعی یا نژادپرستی یا اخلاقی و مذهبی، نباید آن را الغا کند.

۲. هدف دیگر این میثاق تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی دولتهای امضاکننده است، باید یادآور شد که این هدف با هدف اول دقیقاً تفاوت دارد. این هدف با هدف اول برابر است با این تفاوت که میراث مشترک را باید نگاهداری کرد و حال آن که ترقی را باید توسعه داد. قسمت مربوط به هدفها در این میثاق با ایجاز و اختصار ذکر شده است و اساسنامه با آن که با فراغ بال به توصیف (میراث مشترک) می پردازد تعریفی از ترقی نمی آورد در اینجا می توان استنتاج کرد که ترقی هم در زمره همان اصولی است که میراث مشترک از آنها تشکیل می یابد و به همین علت توضیح بیشتر درباره این ترقی بیهوده بوده است یا آن که به این طریق خواسته اند فرعی بودن این هدف را با این اجمال نشان دهند.

سرانجام مقدمه اساسنامه تأکید می کند که: «ایجاد شورای اروپا پاسخگوی تمایلات آشکار مللی است که دولتهای آنها به نمایندگی آنها میثاق را امضا کرده اند».

بدیهی است که این هدفها مبهم به نظر می آید ولی باید گفت که مردم اروپا که از استبداد نازی ها و از حکومتهای استبدادی به جان آمده بودند و جز این ارزشها امیدی برای آنان نمانده بود برای سنجش ارزش سند، باید آن را دنباله اسنادی بدانیم که با آنها جامعه اروپایی از قرنهای پیش در جستجوی وحدت خویش است. چنانکه دیدیم از نظر اجرای حقوق بشر، شورای اروپا یک رکن نیمه قضایی دارد که این همان کمیسیون حفظ حقوق بشر است و یک رکن قضایی و آن دیوان عدالت اروپایی است و محکمه حقوق بشر رکنی برای نظارت در اجرای حقوق بشر در کشورهای عضو است.



مفهوم حقوق بشر را غالباً به کار می‌برند ولی مفهوم آن را به اندازه این به کار بردن روشن نکرده‌اند.

بشر در این حقوق به معنای موجود انسانی به معنای اعم کلمه است که انجمنها و احزاب سیاسی و انواع گروه‌های صنفی را در بر می‌گیرد و اشکالاتی که از نظر حقوقی برای هریک از این افراد یا دسته پیش می‌آید اختلافی اساسی، با مسائل ناشی از حقوق بشر ندارد، در این حال این مفهوم اخیر به اصطلاح لرزان و مبهم است که این ابهام گاهی اساسی و گاهی موقت است ضمناً باید یادآور شد که اسناد حقوق داخلی و بین الملل بشر یا موجود بشری را بصورت مقوله یا گروه خاصی داخل یک کلی ذکر می‌کنند مانند شهروند، زن، مرد، کودک، کارگر، بیگانه، پناهنده و غیره.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انسانی